



«نشریه علمی آموزش و ارزشیابی»
سال دوازدهم - شماره ۴۶ - تابستان ۱۳۹۸
ص. ۲۸-۱۳

مقایسه اثر بخشی آموزش مهارت حل مسأله و آموزش هوش هیجانی بر کاهش پرخاشگری دانش آموزان دختر دوره اول متوسطه تبریز

غلامرضا گل محمدنژاد بهرامی^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۱۲/۲۷
تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۶/۰۹/۰۱

چکیده

این پژوهش به منظور مطالعه اثر بخشی آموزش مهارت حل مسأله و هوش هیجانی بر کاهش پرخاشگری دانش آموزان انجام شده است. تحقیق حاضر از نوع نیمه آزمایشی (نیمه تجربی) بوده و جامعه آماری آن کلیه دانش آموزان دختر دوره اول متوسطه ناحیه ۳ تبریز که در سال ۹۵-۱۳۹۴ مشغول به تحصیل بودند می باشد. به منظور انتخاب نمونه ابتدا با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای از بین مدارس ناحیه ۳، یک مدرسه انتخاب و پرسشنامه پرخاشگری در بین دانش آموزان آن مدرسه (۳۸۵ نفر) اجرا شد. سپس از بین دانش آموزانی که نمره بالایی گرفته بودند ۹۰ نفر انتخاب و به روش تصادفی در ۳ گروه قرار گرفتند. از بین دانش آموزان ۶۰ نفر به عنوان گروه آزمایش (۳۰ نفر گروه آزمایش اول و ۳۰ نفر گروه آزمایش دوم) و ۳۰ نفر هم به عنوان گروه کنترل در نظر گرفته شد. برای گروه آزمایشی اول ۸ جلسه گروهی آموزش حل مسأله و برای گروه آزمایشی دوم ۸ جلسه گروهی آموزش هوش هیجانی تشکیل گردید. در این تحقیق پرسشنامه پرخاشگری باس و پری به عنوان ابزار اندازه گیری به کار گرفته شد. برای تجزیه و تحلیل آماری داده ها از تحلیل کوواریانس استفاده به عمل آمد. نتایج نشان داد آموزش مهارت حل مسأله و هوش هیجانی بر کاهش پرخاشگری دانش آموزان مؤثر است. همچنین نتایج نشان داد بین میزان اثر بخشی این دو روش آموزش تفاوت معناداری وجود ندارد.

واژگان کلیدی: پرخاشگری، مهارت حل مسأله، هوش هیجانی

۱. استادیار دانشگاه شهید مدنی آذربایجان (نویسنده مسئول)، تبریز، ایران، dr.golmohammadnadjad@azaruniv.edu

The Comparison of the Effectiveness of Problem-Solving Skill and Emotional Intelligence on Decreasing Aggression in Adolescent Girl Students of Guidance School

Golamreza Golmohammadnejad Bahrami

Data of receipt: 2017.03.17
Data of acceptance: 2017.11.22

Abstract

The present study set out to investigate the level of effectiveness of problem-solving skill and emotional intelligence on decreasing the aggression of students. This study is semi experimental. The population included all the girl students of the first grade high school of the third area of Tabriz in 1394-95 educational year. For selecting the sample, firstly by using cluster sampling method, one school was selected out of the third educational area schools (385students) and the aggression questionnaire was distributed among them. Then 90 students that achieved high scores were selected and placed randomly in three groups. 60 students were selected as the experimental group (30 students in the first experimental group and 30 students in the second experimental group) and 30 students were selected as the control group. Problem-solving training was held in 8 sessions for first experimental group and emotional intelligence training was held in 8 sessions for second experimental group. Boss and Perry Aggression General Questionnaire (AGQ) was used as measurement instrument. Analysis of covariance (ANCOVA) was used to analyze data. The results indicated that training problem-solving skill and emotional intelligence were effective on decreasing the aggression of the students. There was no significant difference between the effectiveness of these two methods.

Keywords: aggression, emotional intelligence, problem solving

مقدمه

دوران نوجوانی یکی از پرتلاطم ترین دوران زندگی هر فرد است. در این دوران علاوه بر رشد جسمی و جنسی، رشد ذهنی و عاطفی نیز موجب دگرگون شدن دنیای درونی نوجوان می‌شود. در چنین شرایطی او با سوالات متعدد درباره زندگی، مرگ، آینده، ارتباط با دیگران و مانند آن مواجه می‌شود که او را بی‌قرار و مضطرب می‌سازد. از سوی دیگر ممکن است این بی‌قراری بر عملکرد تحصیلی و ارتباطات خانوادگی تأثیر منفی داشته و موجب تشدید بحران روانی نوجوان شود. این اضطراب و بیقراری، پرخاشگری^۱ را بدنبال دارد. عبارت دیگر پرخاشگری یکی از شایع ترین رفتارهای دوران نوجوانی بشمار می‌آید.

پرخاشگری مفهوم بسیار پیچیده‌ای دارد. این رفتار از یک سو زیر تأثیر عوامل موقعیتی و روان شناختی بوده و از سوی دیگر، عوامل ژنتیک و زیست شناختی در استقرار و گسترش آن نقش بسیار عمده‌ای بازی می‌کنند. از این رو، رایجی تعریفی دقیق و عینی از این سازه، دشوار است. با این وجود، بارون و ریچاردسون^۲ (۱۹۹۴)، در تعریف پرخاشگری، نشان داده‌اند هدف این گونه رفتارها تخریب و آسیب‌رسانی به یک موجود زنده و اموال اوست (محمدی، ۱۳۸۵).

یکی از جدیدترین نظریه‌های مطرح شده در مورد پرخاشگری که در این تحقیق نیز مد توجه قرار گرفته، نظریه چند بعدی باس و پری^۳ (۱۹۹۲) است. نتایج پژوهشها (باس و پری، ۱۹۹۲) نشان داده است که پرخاشگری دارای ابعاد مختلف از جمله بعد وسیله‌ای، عاطفی و شناختی است. در بعد وسیله‌ای، پرخاشگری بصورت کلامی و جسمانی آشکار می‌شود و هدف آن آسیب زدن به دیگران است. در بعد عاطفی، پرخاشگری بصورت خشم نمایان می‌شود و شرایط درونی ارگانیزم را برای برانگیختگی فیزیولوژیکی فراهم می‌سازد و در بعد شناختی که بعد خصومت نیز نامیده می‌شود، پرخاشگری موجب بروز خصومت، کینه و دشمنی نسبت به دیگران می‌شود. بنابراین رفتار پرخاشگرانه در یک سازه‌ی کلی ریشه دارد. سازه‌ای که می‌تواند به صورت خشم، خصومت، پرخاشگری جسمانی و پرخاشگری کلامی نمایان شود (محمدی، ۱۳۸۵).

عدم کنترل رفتار پرخاشگرانه که خود ممکن است ناشی از عدم توانایی در حل مسأله باشد، علاوه بر ایجاد مشکلات زیاد در روابط بین فردی، منجر به تجاوز به حقوق دیگران شده و ضمن اینکه درون‌ریزی می‌شود موجب بروز مشکلات جسمانی چون زخم معده، سردردهای میگرنی و مانند آن می‌گردد (صباغیان، ۱۳۹۴).

نتایج پاره‌ای از تحقیقات نشان می‌دهد کودکانی که گوشه گیر، پرخاشگر و ناسازگارند، فاقد توانایی حل مسأله بوده و در مقایسه با افرادی که مهارت حل مسأله را دارند کمتر در مقابل فشارهای روانی و

1 - aggression

2 - Baron & Richardson

3 - Buss & Perry

ناکامی مقاومت نشان می‌دهند. کودکانی که از این مهارت برخوردارند، درمقابل استرس‌های شدید، تعارض و ناکامی مقاوم‌ترند و مشکلات را بهتر حل کرده، از قوه‌ی تفکر و اندیشه خود به خوبی استفاده می‌کنند و به ندرت احساس ناکارآمدی و یاس می‌کنند (صباغیان، ۱۳۹۴).

با توجه به آنچه گفته شد به نظر می‌رسد یکی از روشهایی که با آموزش آن به نسل آینده می‌توان آنها را در برخورد با مسایل و مشکلات روانی از جمله پرخاشگری یاری داد، مهارت حل مسئله است. حل مسئله یا مشکل‌گشایی فرایندی شناختی است که به وسیله‌ی آن فرد می‌کوشد راه حل مناسبی برای یک مشکل پیدا کند (پرلا^۱ و ادونل^۲، ۲۰۱۱). هم‌چنین یکی از اهداف مهم نظام‌های تعلیم و تربیت مدرن، پرورش افرادی است که قادر باشند بر مسایل و مشکلاتشان در زندگی روزمره و در محیط اجتماعی به آسانی غلبه کنند (سلجوق^۳، سالیشان^۴، ارول^۵، ۲۰۰۷).

آموزش مهارت حل مسئله به عنوان یک روش درمانی به فرد می‌آموزد تا با استفاده از یک فرایند سازگاری هوشمندانه، منطقی و هدفمند بتواند توانایی خود را برای برخورد مؤثر با دامنه‌ی گسترده‌ایی از موقعیتهای پرفشار روانی به کار گیرد و از مجموعه مهارتهای شناختی خود برای کنار آمدن با موقعیتهای مختلف مشکل‌آفرین استفاده کند (مانرو، مانتی، ۱۳۸۴).

حل مسئله، راهبرد مقابله‌ای مهمی است که می‌تواند فرد را قادر سازد موقعیتهای مشکل‌آفرین زندگی روزمره و تأثیر هیجانی آنها را به خوبی مهار کرده و از این طریق تنیدگی روانشناختی را کاهش داده به حداقل برساند. اگر این الگو صحیح باشد می‌توان گفت توانایی حل مسئله با میزان تنیدگی روانشناختی ارتباط دارد. بعبارت دیگر توانایی بالا در حل مسئله، پیش‌بینی‌کننده سطح پائین تنیدگی و یا مقابله مؤثر با آن و در نتیجه سلامت روانی بالاست (بولتون^۶، ۱۳۸۹).

تحقیقات وان‌مانین^۷، پرینس^۸ و امیل کامپ^۹ (۲۰۱۴)، گرشام، باووان و کوک^{۱۰} (۲۰۱۲)، ترکان رنای^{۱۱} (۱۳۸۵)، کازدین^{۱۱}، داوسون^{۱۲}، فرنچ و یونیس^{۱۳} (۲۰۱۰) و شارپ^{۱۴} (۱۹۸۱) نشان داد آموزش مهارت حل مسئله بر کاهش پرخاشگری مؤثر می‌باشد.

-
- 1 - Perla
 - 2 - Donnel
 - 3- Selcuk
 - 4 - Calishan
 - 5 - Erol
 - 5 - Bolton
 - 7 - Van Manen
 - 8 - Prins
 - 9 - Emmelkamp
 - 10 - Gresham, Baovan & Cook
 - 11 -Kazdin
 - 12 -Dowson
 - 13 -French & uniss
 - 14 -Sharp

بهرامی (۱۳۸۴) در بررسی رابطه تأثیر آموزش حل مسأله بر کاهش پرخاشگری دانش‌آموزان دختر سال دوم متوسطه ناحیه یک سازمان آموزش و پرورش استان قزوین به این نتیجه رسید که آموزش حل مسأله بر کاهش پرخاشگری مؤثر است و تفاوت بین دو گروه از این لحاظ معنی دار می‌باشد. الماسیان (۱۳۸۱) نیز در تحقیقی به این نتیجه رسید که آموزش مهارت حل مسأله در کاهش پرخاشگری مؤثر بوده است (به نقل از بهرامی، ۱۳۸۴).

کاسیدی و لونگ (۲۰۰۶) نشان دادند آموزش حل مسأله بر پرخاشگری کودکان تأثیر دارد. انیولا (۲۰۱۴) نیز در تحقیقی به این نتیجه رسید که شرکت کنندگانی که با دو عکس العمل ردیابی هوش هیجانی و آموزش خود تنظیمی درمان شده بودند، بهبود قابل توجهی در الگوی رفتار پرخاشگرانه شان نسبت به گروه گواه داشتند.

علاوه بر مهارت حل مسأله که بدان اشاره شد داشتن تواناییهای دیگر همانند هوش شناختی و هوش هیجانی^۲ نیز در حل مشکلات و مقابله با مسایل مختلف ضروری است. البته ناگفته پیداست در دنیای متحول امروز داشتن هوشبهر بالا تضمین کننده موفقیت افراد در زندگی فردی و اجتماعی نبوده و ضروری است که هر فرد به مهارت‌های مقابله‌ای^۳ و مناسب و سایر عوامل موفقیت‌زا مانند هوش هیجانی مجهز باشد تا بتواند با محیط پیرامون خود ارتباط بهتری برقرار نموده و مؤثرتر مسایل روزمره زندگی خود را حل نماید (گلمن، ۱۳۸۰).

گلمن در کتاب هوش هیجانی خود به بحث در رابطه با تأثیر آموزش هوش هیجانی بر روی نوجوانان دارای مشکلات رفتاری می‌پردازد و بیان می‌کند چگونه به وسیله آموزش هوش هیجانی می‌توان به دانش‌آموزان کمک کرد تا به مشکلات رفتاری مختلف خود فائق آیند و با شرایط موجود بهتر سازگار شوند.

بر اساس نظر گلمن، هوش هیجانی یا EQ شامل شناخت و کنترل هیجانهای خود، همدلی کردن با دیگران و حفظ روابط رضایت بخش است. به عبارت دیگر شخصی که هوش هیجانی بالایی دارد، به طور موفقیت آمیزی مؤلفه های شناختی فیزیولوژیکی و رفتاری هیجانها را با یکدیگر تلفیق می‌کند. بررسی‌ها نشان داده است بسیاری افراد با داشتن هوشبهر یا IQ متوسط ولی با داشتن هوش هیجانی نسبتاً بالا موفقیت‌های بسیاری را کسب نموده‌اند. به طوری که هم اکنون در بسیاری از کشورهای توسعه یافته افراد با هوش هیجانی بالا را جهت مشاغل مدیریتی برمی‌گزینند.

افتخارصعادی، مهرابی زاده هنرمند، نجاریان، احدی، عسگری (۱۳۹۴) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که آموزش هوش هیجانی موجب کاهش پرخاشگری و همچنین افزایش سازگاری دانش‌آموزان

1 - Eniola

4 - Emotional Intelligence

3 - Coping skills

می‌شود. نقدی، ادیب راد، نورانی پور (۱۳۹۱) نشان داد که آموزش هوش هیجانی می‌تواند بر کاهش پرخاشگری تأثیر داشته باشد.

کیمیایی، رفتار و سلطانی فر (۱۳۹۰) در تحقیقی نتیجه گرفتند که نه تنها هوش هیجانی با پرخاشگری نوجوانان دارای همبستگی منفی است، بلکه آموزش آن باعث افزایش معنی دار توانایی شناسایی و مدیریت هیجان شده، پرخاشگری را کاهش داده و می‌تواند رویکردی در آموزش و درمان آنان باشد.

سی یو در سال ۲۰۰۹ به بررسی رابطه هوش هیجانی با رفتارهای مشکل دار نوجوانان هنگ کنک پرداخت. او دریافت که استفاده ناکارآمد از هیجان‌ات، منجر به رفتارهای مشکل آفرین، پرخاشگری و رفتارهای غیر قانونی شده و داشتن خود مدیریتی باعث کاهش اضطراب می‌شود. انیولا (۲۰۱۴) و سی یو (۲۰۰۹) در تحقیق خود نشان دادند آموزش هوش هیجانی بر کاهش پرخاشگری مؤثر می‌باشد. از طرفی دیگر تحقیقاتی نظیر پژوهش اکبر زاده (۱۳۹۲) نشان داده‌اند داشتن توانایی سازگاری با موقعیتهای مختلف و مهارت مقابله با مشکلات و ایجاد رابطه با دیگران با کاهش پرخاشگری ارتباط دارد. بنابراین به نظر می‌رسد با طراحی برنامه مناسب و آموزش مهارت حل مسأله و هوش هیجانی بتوان پرخاشگری را در دانش‌آموزان کاهش داد.

براساس آنچه در مورد مهارت حل مسأله و هوش هیجانی گفته شد به نظر می‌رسد این تواناییها، ویژگی و عوامل مشترک زیادی باهم داشته باشند. سازگاری و مقابله با مشکلات و پیدا کردن راه حل مناسب برای مسایل پیش آمده و ایجاد ارتباط سازنده با دیگران و سایر فعالیتهای اجتماعی از جمله وجوه مشترک آنهاست.

چنانکه در بالا نیز اشاره شد بد خلقی و پرخاشگری از ویژگیهای بارز دوران نوجوانی است. دختران و پسران نوجوان با توجه به تغییراتی که در ابعاد جسمی، جنسی، شناختی و عاطفی دچار آن می‌شوند کم و بیش در معرض آسیب‌های روانی قرار دارند. دختران نوجوان در سنین ۱۰ تا ۱۶ سالگی بلوغ جسمی را تجربه می‌کنند که تمام عملکردهای جسمی و روانی‌شان را متحول می‌کند. در این دوران تغییرات فیزیکی موجب می‌شوند که دختران از نظر روانی هم آسیب‌پذیرتر شوند چون در آستانه یک تغییر جدی یعنی گذار از مرحله کودکی به بزرگسالی قرار می‌گیرند. میل به گوشه‌گیری، حساسیت نسبت به انتقاد دیگران، نوسان در خلق و خو، بی‌قراری، بی‌ثباتی، کاهش اعتماد به نفس، نافرمانی از والدین و پرخاشگری از ویژگی‌های رفتاری دختران در سنین بلوغ است. متأسفانه به سلامت روانی دختران معمولاً توجه چندانی نمی‌شود. در حالی که اگر دختران نوجوان از سنین بلوغ در شرایط امنیت روانی رشد نکنند، در آینده احتمال ابتلای آنها به انواع اختلالات روانی بیشتر می‌شود.

با توجه به مسایلی که مطرح شد محقق ضمن انتخاب جامعه آماری دانش‌آموزان دختر دوره اول متوسطه، علاوه بر بررسی اثربخشی آموزش مهارت حل مسأله و هوش هیجانی بر کاهش پرخاشگری، قصد دارد اثربخشی آنها را نیز مورد مقایسه قرار داده و به سوالات زیر پاسخ دهد:

- ۱- آیا آموزش هوش هیجانی بر کاهش پرخاشگری دانش‌آموزان دختر دوره اول متوسطه مؤثر است؟
- ۲- آیا آموزش مهارت حل مسأله بر کاهش پرخاشگری دانش‌آموزان دختر دوره اول متوسطه مؤثر است؟
- ۳- آیا اثربخشی آموزش مهارت حل مسأله و آموزش هوش هیجانی بر کاهش پرخاشگری دانش‌آموزان دختر دوره اول متوسطه متفاوت است؟

روش‌شناسی

جامعه آماری تحقیق کلیه دانش‌آموزان دختر دوره اول متوسطه ناحیه ۳ تبریز که در سال ۹۵-۱۳۹۴ مشغول به تحصیل بودند، می‌باشد. برای انتخاب نمونه ابتدا با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای از بین مدارس ناحیه ۳ یک مدرسه انتخاب شد و پرسشنامه پرخاشگری در بین دانش‌آموزان (۳۸۵ نفر) آن مدرسه اجرا گشت. سپس از بین دانش‌آموزانی که نمره بالایی گرفته و پرخاشگر محسوب می‌شدند تعداد ۹۰ دانش‌آموز انتخاب و به روش تصادفی در ۳ گروه قرار گرفتند. از بین دانش‌آموزان انتخاب شده ۶۰ نفر به عنوان گروه آزمایش (۳۰ نفر گروه آزمایش اول و ۳۰ نفر گروه آزمایش دوم) و ۳۰ نفر هم به عنوان گروه کنترل در نظر گرفته شد.

تحقیق حاضر، تحقیقی نیمه آزمایشی^۱ (نیمه تجربی) است. نگاره‌ی طرح آزمایشی پژوهش در جدول شماره (۱) آمده است.

جدول شماره (۱) : طرح آزمایشی

Table 1:

Experimental design

پیش آزمون Pre-test	آموزش Treatment	پس آزمون Post-test	گروه‌ها Groups
T1	آموزش گروهی حل مسئله problem solving treatment	T2	گروه آزمایش ۱ Experimental group1
T1	آموزش مؤلفه‌های هوش هیجانی Emotional intelligence treatment	T2	گروه آزمایش ۲ Experimental group2
T1	-	T2	گروه کنترل Control

در این تحقیق ابزار اندازه‌گیری پرسشنامه پرخاشگری باس و پری (AGQ) می‌باشد. این پرسشنامه مشتمل بر ۳۰ ماده است که چهارده ماده آن عامل خشم و هشت ماده آن عامل تهاجم و هشت ماده

1 - Semi experimental

دیگر، عامل کینه‌توزی را می‌سنجد. پرسشنامه پرخاشگری باس و پری یک مقیاس خودگزارش‌دهی مداد کاغذی است و آزمودنی به یکی از چهار گزینه هرگز، بندرت، گاهی اوقات و همیشه، پاسخ گفته و برای هر یک از ۴ گزینه مذکور به ترتیب مقادیر ۰، ۱، ۲، ۳ در نظر گرفته می‌شود. ماده ۱۸ بار عاملی منفی دارد و جهت نمره‌گذاری در آن معکوس است. دامنه نمره کل این پرسشنامه از صفر تا ۹۰ می‌باشد. افرادی که در این مقیاس نمره آنان از میانگین کمتر است، دارای پرخاشگری پایین محسوب میشوند. ضریب بازآزمایی (آزمون مجدد) پرسشنامه ۰/۷۹ بوده است. همچنین ضرایب آلفای کرونباخ (همسانی درونی) برای کل آزمودنیها ۰/۸۷۴، برای آزمودنی‌های دختر ۰/۸۶ و برای آزمودنی‌های پسر ۰/۸۹ به دست آمده است (زاهدی‌فر، ۱۳۷۹).

آموزش گروهی حل مسأله:

آموزش گروهی حل مسأله بر اساس الگوی ۵ گانه حل مسأله گلفرید و دیویسون (۱۳۸۶) طرح ریزی شده و شامل ۸ جلسه گروهی است. خلاصه جلسات بدین ترتیب است: آموزش تشخیص موقعیت و بررسی شیوه مقابله با مسأله، جهت‌گیری مسأله‌گشایی، شناسایی و تعریف مشکل، صورت‌بندی مسأله، تولید و خلق راه‌حل‌های متعدد، ارزیابی راه‌حل‌ها و در نهایت انتخاب بهترین راه‌حل‌ها.

آموزش گروهی هوش هیجانی:

آموزش گروهی هوش هیجانی بر اساس نظریه گلن^۱ (۱۹۹۵) تهیه شده و شامل ۸ جلسه گروهی و هفته‌ای یک جلسه است. خلاصه جلسات بدین ترتیب است: خودآگاهی هیجانی، شناخت هیجانات دیگران، ابراز وجود، مهارت‌های بین فردی و همدلی، کنترل استرس، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و انعطاف‌پذیری.

یافته‌ها

همانگونه که در جدول (۲) مشاهده می‌شود میانگین نمرات پرخاشگری گروه آزمایشی با آموزش مؤلفه‌های هوش هیجانی در پیش‌آزمون ۵۱/۲ و در پس‌آزمون ۴۳ بدست آمده است. میانگین نمرات پرخاشگری گروه آزمایشی با آموزش مهارت حل مسأله در پیش‌آزمون ۴۹/۲۳ و در پس‌آزمون ۴۱/۲۷ بدست آمده است. میانگین نمرات پرخاشگری گروه کنترل در پیش‌آزمون ۴۹/۲ و در پس‌آزمون ۴۸/۶۵ بدست آمده است.

جدول (۲): توصیف آماری

Table 2:

Statistical description

پیش آزمون Pre-test	پس آزمون Post-test	شاخص‌های آماری Statistical measures	گروه Group
51.29	43	Mean میانگین	آموزش هوش هیجانی Emotional intelligence treatment
7.02	6.69	St. Deviation انحراف معیار	
40	25	Minimum کمترین	
63	51	Maximum بیشترین	
23	26	Range دامه تغییرات	
49.33	41.27	Mean میانگین	آموزش مهارت حل مسأله problem solving treatment
7.78	5.59	St. Deviation انحراف معیار	
40	34	Minimum کمترین	
65	54	Maximum بیشترین	
25	20	Range دامه تغییرات	
49.29	48.65	Mean میانگین	گروه کنترل Control Group
7.81	7.18	St. Deviation انحراف معیار	
40	37	Minimum کمترین	
63	61	Maximum بیشترین	
23	24	Range دامنه تغییرات	

بررسی سؤالات پژوهش:

سؤال اول پژوهش:

آیا آموزش هوش هیجانی بر کاهش پرخاشگری مؤثر است؟

جهت پاسخ به سؤال اول پژوهشی پس از بررسی و اطمینان از برقراری پیش فرضهای نرمال بودن، همسانی شیب رگرسیون و همسانی واریانسها از تحلیل کوواریانس استفاده شده است که نتایج آن در جدول (۳) مشاهده می‌شود.

همانگونه که در جدول (۳) مشاهده می‌شود مقدار F بدست آمده برابر با ۳۲/۴ و سطح معنی داری نیز برابر با ۰/۰۰۱ می‌باشد. بنابراین تفاوت مشاهده شده معنی دار بوده و می‌توان گفت آموزش هوش هیجانی بر کاهش پرخاشگری دانش‌آموزان دختر تاثیر معنی دار داشته است.

جدول (۳): تحلیل کوواریانس (تأثیر آموزش هوش هیجانی بر پرخاشگری)

Table 3:

Analysis of Covariance (the effectiveness of intelligence treatment on aggression)					
منبع تغییر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری
Source	Sum of squares	df	Mean of squares		Sig
پیش آزمون	181.301	1	181.301	49.9	0.001
Pre-test					
گروه	117.983	1	117.983	32.4	0.001
Group					
خطا	206.966	57	3.63		
Error					

سؤال دوم پژوهش:**آیا آموزش مهارت حل مسأله بر کاهش پرخاشگری مؤثر است؟**

برای پاسخ به سؤال دوم پژوهشی نیز پس از بررسی و اطمینان از برقراری پیش فرضهای نرمال بودن، همسانی شیب رگرسیون و همسانی واریانسها از تحلیل کوواریانس استفاده شده است که نتایج آن در جدول (۴) مشاهده می‌شود.

جدول (۴) نتایج تحلیل کوواریانس را نشان می‌دهد. همانگونه که مشاهده می‌شود مقدار F بدست آمده برابر با ۹۸/۳۲ و سطح معنی داری نیز برابر با ۰/۰۰۱ می‌باشد. بنابراین تفاوت مشاهده شده معنی دار بوده و می‌توان گفت آموزش مهارت حل مسأله بر کاهش پرخاشگری دانش‌آموزان دختر تاثیر معنی دار داشته است.

جدول (۴): تحلیل کوواریانس (تأثیر آموزش حل مسأله بر پرخاشگری)

Table 4:

Analysis of Covariance (the effectiveness of problem solving treatment on aggression)					
منبع تغییر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری
Source	Sum of squares	df	Mean of squares		Sig
پیش آزمون	13.42	1	13.42	0.131	0.719
Pre-test					
گروه	10098.25	1	10098.25	98.32	0.001
Group					
خطا	5854.2	57	102.7		
Error					

سؤال سوم پژوهش:

آیا تأثیر آموزش مهارت حل مسأله و آموزش هوش هیجانی بر کاهش پرخاشگری متفاوت است؟ برای بررسی سؤال سوم نیز از تحلیل کوواریانس استفاده شد. قبل از تحلیل کوواریانس به مانند دو سؤال قبلی، پیش فرضها مورد ارزیابی قرار گرفت و از برقرار بودن آنها اطمینان حاصل شد. نتایج تحلیل سؤال سوم در جدول (۵) آمده است.

همانگونه که در جدول (۵) مشاهده می شود مقدار F بدست آمده ۲/۱۱ و سطح معنی داری آن برابر با ۰/۱۸ است. بنابراین تفاوت مشاهده شده معنی دار نبوده و پاسخ به سؤال سوم این پژوهش منفی است. یعنی بین میزان اثربخشی آموزش مهارت حل مسئله و آموزش مؤلفه های هوش هیجانی بر کاهش پرخاشگری دانش آموزان دختر دوره اول متوسطه تفاوت معنی داری وجود ندارد.

جدول (۵): تحلیل کوواریانس مقایسه اثربخشی آموزش مهارت حل مسأله و آموزش هوش هیجانی بر پرخاشگری

Table 5:

Analysis of Covariance (the comparison of the effectiveness of problem solving treatment and emotional intelligence treatment on aggression)

منبع تغییر Source	مجموع مجزورات Sum of squares	درجه آزادی df	میانگین مجزورات Mean of squares	F	سطح معنی داری Sig
پیش آزمون Pre-test	134.2	1	134.2	94.3	0.001
گروه Group	20.77	1	20.77	2.11	0.18
خطا Error	558.6	57	9.8		

بحث و نتیجه گیری

نتایج تحلیل سؤال اول پژوهشی حاکی از تأثیر آموزش مهارت حل مسأله بر کاهش پرخاشگری دانش آموزان دختر دوره اول متوسطه ناحیه ۳ تبریز است. با توجه به مقایسه میانگین ها که در جدول (۱) آمده است می توان نتیجه گرفت که این تأثیر در جهت کاهش پرخاشگری بوده است. نتیجه تحقیق حاضر با نتایج تحقیق وان مانین^۱، پرینس^۲ و امیل کامپ^۳ (۲۰۱۴)، گرشام، باووان و کوک^۴ (۲۰۱۲)، ترکان رنانی^۵ (۱۳۸۵)، بهرامی^۶ (۱۳۸۴)، الماسیان^۷ (۱۳۸۱)، کاسیدی و لونگ^۸ (۲۰۰۶) کازدین^۹، دوسون^۷، فرنچ و یونیس^۸ (۲۰۱۰) و شارپ^۹ (۱۹۸۱) مبنی بر اینکه آموزش مهارت حل مسأله بر کاهش پرخاشگری مؤثر می باشد همسو می باشد.

بهرامی^۶ (۱۳۸۴) در بررسی رابطه تأثیر آموزش حل مسأله بر کاهش پرخاشگری دانش آموزان دختر سال دوم متوسطه ناحیه یک سازمان آموزش و پرورش استان قزوین به این نتیجه رسید که آموزش حل مسأله بر کاهش پرخاشگری مؤثر است و تفاوت بین دو گروه از این لحاظ معنی دار می باشد.

1 -Van Manen

2 -Prins

3 -Emmelkamp

4 -Gresham, Baovan & Cook

5 -Cassidy & Long

6 -Kazdin

7 -Dowson

8 -French & uniss

9 -Sharp

الماسیان (۱۳۸۱) نیز در تحقیقی به این نتیجه رسید که آموزش مهارت حل مسأله در کاهش پرخاشگری مؤثر بوده است (به نقل از بهرامی، ۱۳۸۴).

کاسیدی و لونگ (۲۰۰۶) نشان دادند آموزش حل مسأله بر پرخاشگری کودکان تأثیر دارد. انیولا (۲۰۱۴) نیز در تحقیقی به این نتیجه رسید که شرکت کنندگانی که با دو عکس العمل ردیابی هوش هیجانی و آموزش خود تنظیمی درمان شده بودند، بهبود قابل توجهی در الگوی رفتار پرخاشگرانه شان نسبت به گروه گواه داشتند.

بنابراین نتیجه بدست آمده از تحلیل سؤال اول پژوهشی را اینگونه می‌توان تبیین کرد که چون آزمودنی‌ها مهارتهایی مانند تفکر قبل از واکنش نشان دادن و به تاخیر انداختن واکنش‌های مخرب و آنی در مقابل تهدید دیگران را یاد می‌گیرند می‌توانند در موقعیت‌های مختلف بر بروز هیجان و پرخاشگری کنترل لازم را داشته باشند. از طرفی افراد احتمالاً در طی این برنامه یاد می‌گیرند که با خویشتنداری به جای تکانشی رفتار کردن و بدون وارد کردن ضربه جسمی و روانی به خود و دیگران، واکنش سازنده و صحیح داشته باشند.

در رویکرد شناختی-رفتاری، در مورد پرخاشگری این مفهوم وجود دارد که واکنش پرخاشگری به علت ساختار شناختی ناکافی و تحریف شده تعیین می‌شود. در نتیجه، افزایش شناخت فرد در موقعیتهایی که پرخاشگری را سبب می‌شود، تغییر و اصلاح رفتار را بدنبال خواهد داشت. آموزش حل مسأله ساختار شناختی افراد را توانمند ساخته و او را در برابر مسایل مجهز به آرایه راه حل می‌کند.

براساس نتایج بدست آمده از سؤال دوم تحقیق، آموزش هوش هیجانی بر کاهش پرخاشگری دانش‌آموزان دختر مؤثر است. یافته‌های این پژوهش با نتایج افتخارصعادی، مهرابی زاده هنرمند، نجاریان، احدی، عسگری (۱۳۹۴)، نقدی، ادیب راد، نورانی پور (۱۳۹۱)، کیمیایی، رفتار، سلطانی فر (۱۳۹۰)، انیولا (۲۰۱۴) و سی‌یو (۲۰۰۹) مبنی بر اینکه آموزش هوش هیجانی بر کاهش پرخاشگری مؤثر می‌باشد همسو است.

افتخارصعادی، مهرابی زاده هنرمند، نجاریان، احدی، عسگری (۱۳۹۴) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که آموزش هوش هیجانی موجب کاهش پرخاشگری و همچنین افزایش سازگاری دانش‌آموزان می‌شود. نقدی، ادیب راد، نورانی پور (۱۳۹۱) نشان داد که آموزش هوش هیجانی می‌تواند بر کاهش پرخاشگری تأثیر داشته باشد.

کیمیایی، رفتار و سلطانی فر (۱۳۹۰) در تحقیقی نتیجه گرفتند که نه تنها هوش هیجانی با پرخاشگری نوجوانان دارای همبستگی منفی است، بلکه آموزش آن باعث افزایش معنی‌دار توانایی شناسایی و مدیریت هیجان شده، پرخاشگری را کاهش داده و می‌تواند رویکردی در آموزش و درمان آنان باشد.

سی یو در سال ۲۰۰۹ به بررسی رابطه هوش هیجانی با رفتارهای مشکل دار نوجوانان هنگ کنک پرداخت. او دریافت که استفاده ناکارآمد از هیجانات، منجر به رفتارهای مشکل آفرین، پرخاشگری و رفتارهای غیر قانونی شده و داشتن خود مدیریتی باعث کاهش اضطراب می‌شود.

از آنجا که تنظیم هیجان یکی از مؤلفه های هوش هیجانی است و پرخاشگری نیز نوعی هیجان محسوب می‌شود با آموزش هوش هیجانی، افراد یاد می‌گیرند اولاً در مقابل هیجانات آنی مقاومت کنند ثانیاً با تفکر، رفتار مناسب را در مقابله با موقعیت خشم آفرین اتخاذ کرده و بهترین راه حل را انتخاب نمایند.

در آموزش هوش هیجانی، شناخت افراد از خود و تواناییهای خویش، همچنین مهارت برقراری رابطه با اطرافیان افزایش پیدا کرده یاد می‌گیرند با دیگران کنار آمده و رفتارهای تکانشی از خود بروز ندهند. علاوه بر آن، افراد می‌آموزند انرژی درونی زیستی و روانی را با اراده خود کنترل نموده و در یک فرصت مناسب آزاد کرده از آن برای انجام کار سازنده استفاده نمایند.

نتایج حاصل از تحلیل سؤال سوم پژوهشی هم نشان داد بین میزان اثربخشی آموزش مهارت حل مسأله و آموزش هوش هیجانی بر کاهش پرخاشگری دانش‌آموزان دختر تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. این نتیجه همسو با نتیجه تحقیق گنجه، دهستانی و زاده محمدی (۱۳۹۲) می‌باشد.

با توجه به اینکه مهارت حل مسأله و هوش هیجانی دارای تواناییها و ابعاد مشترک فراوان، از جمله آگاهی و شناخت خویش، بررسی وضعیت موجود، سازگاری، کاوش در مورد ابعاد مسأله، خویششنده‌اری، تنظیم هیجان و پیدا کردن راه حل مناسب و مانند آن هستند، اثربخشی آنها بر کاهش پرخاشگری کم و بیش به یک اندازه بوده و نتیجه به دست آمده مبنی بر عدم تفاوت در اثربخشی آنان بر کاهش پرخاشگری، دور از انتظار به نظر نمی‌رسد.

بر اساس نتایج تحقیق حاضر آموزش هوش هیجانی و حل مسأله باعث افزایش معنی‌دار توانایی شناسایی و مدیریت هیجان شده، پرخاشگری را کاهش داده و می‌تواند رویکردی در آموزش و درمان آنان باشد. انتخاب یک مدرسه و اجرای تحقیق بر روی دانش‌آموزان آن مدرسه، همچنین عدم هم‌تا سازی کامل گروههای آزمایشی و کنترل از جمله محدودیتهای این تحقیق است بنابراین در تعمیم نتایج باید احتیاط لازم به عمل آید.

با توجه به تأثیرگذاری مهارت حل مسأله و هوش هیجانی بر پرخاشگری دانش‌آموزان و همچنین کم هزینه بودن این آموزشها پیشنهاد می‌شود برنامه های آموزشی به شکلی تدوین شوند تا دانش‌آموزان از همان سالهای آغازین مدرسه این راهبردها را بیاموزند. همچنین لازم است واحدهای درسی در مراکز تربیت معلم و یا اجرای دوره های ضمن خدمت فرهنگیان جهت آموزش راهبردهای حل مسأله و مؤلفه‌های هوش هیجانی گنجانده شود تا دبیران بتوانند این روشها و راهبردها را به دانش‌آموزان خود آموزش دهند.

References:

منابع:

- افتخارصعادی، زهرا، مهرابی زاده هنرمند، مهناز، نجاریان، بهمن، احدی، حسن، عسگری، پرویز (۱۳۸۸). بررسی تأثیر آموزش هوش هیجانی بر کاهش پرخاشگری و افزایش سازگاری فردی - اجتماعی در دانش‌آموزان دختر سال دوم متوسطه شهرستان اهواز. یافته‌های نو در روان‌شناسی، ۴(۱۲)، ۱۳۷-۱۴۹.
- اکبر زاده، نسرين (۱۳۹۲). هوش هیجانی و دیدگاه سالووی و دیگران. تهران: انتشارات فارابی.
- بولتون، رابرت (۱۹۹۸). روانشناسی روابط انسانی (مهارت‌های فردی). ترجمه حمیدرضا سهرابی، (۱۳۸۹). تهران: انتشارات رشد.
- بهرامی، فاطمه (۱۳۸۴). کارایی آموزش مهارت حل مسأله در کاهش پرخاشگری دختران دانش‌آموز. مجله روانپزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران، ۱۱(۴)، ۴۶۷-۴۶۹.
- زاهدی فر، شهین. (۱۳۷۹). ساخت و اعتباریابی مقیاسی برای سنجش پرخاشگری. مجله علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران، ۷(۲-۱)، ۷۳-۱۰۲.
- صباغیان، زهرا (۱۳۹۴). مدرسه و تقویت نشاط و امید به زندگی. مجله پیوند، شماره‌های ۳۰۹ الی ۳۱۱. کیمیایی، سید علی، رفتار، محمدرضا، سلطانی فر، عاطفه (۱۳۹۰). آموزش هوش هیجانی و اثربخشی آن بر کاهش پرخاشگری نوجوانان پرخاشجوی. پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره، ۱(۱)، ۱۵۳-۱۶۶.
- گلدفرید، ماروین آر. دیویسون، جرالوسی (۱۹۷۶). آموزش مهارت‌های اجتماعی. ترجمه فرهاد ماهر، انتشارات آستان قدس رضوی.
- گلن، دانیل (۱۹۹۵). هوش هیجانی. ترجمه نسرين پارسا (۱۳۸۰). تهران: انتشارات رشد.
- مانرو، آن، ماتنی، باب و اسمال، جان (۲۰۰۱). مشاوره مهارت‌های حل مسأله. ترجمه فریده کمالی، (۱۳۸۴). تهران: نشر نی.
- گنجه، سیدعلیرضا، دهستانی، مهدی، زاده‌محمدی، علی (۱۳۹۲). مقایسه اثربخشی آموزش مهارت حل مسأله و هوش هیجانی در کاهش پرخاشگری دانش‌آموزان پسر دبیرستانی. دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی، ۱۴(۵۲)، ۳۸-۵۰.
- محمدی، نوراله (۱۳۸۵). بررسی مقدماتی شاخص‌های روانسنجی پرسشنامه پرخاشگری باس و پری. مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، ۲۵(۴)، ۱۳۵-۱۵۱.
- نقدی، هادی، ادیب‌راد، نسترن، نورانی پور، رحمت اله (۱۳۹۱). بررسی اثر بخشی آموزش هوش هیجانی بر پرخاشگری دانش‌آموزان پسر سال اول دبیرستان. فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، ۴(۳)، ۲۱۱-۲۱۸.
- نوابی نژاد، شکوه (۱۳۸۷). رفتار بهنجار و نابهنجار کودکان و نوجوانان. تهران: انتشارات اولیاء و مربیان.

- Akbarzadeh, N. (2013). *Emotional intelligence and Solloway` view and others*, Tehran: Farabi [In Persian].
- Bahrami, F. (2005). Efficacy of Problem Solving Skills Education for High School Girl Students Aggression Reduction. *IJPCP*, 11 (4), 467-469 [In Persian].
- Bolton, R. (1998). *People skills*, Translated by Hamidreza Sohrabi, Tehran: Roshd [In Persian].
- Buss, A. H., Perry, M. (1992). The Aggression Questionnaire. *Journal of Personality and Social Psychology*. 63 (3), 452-459.
- Cassidy, T., & Long, C. (2006). Problem solving style, aggression and psychological illness: *Development of a multifactorial*. *British Journal of Clinical Psychology*. 35, 256-277.
- Eftekhar saadi, Z., Mehrabizadeh, M., Najarian, B., Ahadi, H., Asgari, P. (2009). The effect of emotional intelligence training on reducing aggression and increasing individual-social adaptability among second grade high school girls, *Journal of social psychology (New findings in psychology)*, 4(12), 137-149 [In Persian].
- Eniola, M. S. (2014). The influence of emotional intelligence and self- regulation strategies on remediation of aggressive behaviors in adolescent with visual impairment. *Etheo- Med*, 1(1), 71- 77.
- Freedman, J. & Belss, K. (2009). Emotion intelligence and matters. *Journal of educational and psychological consultation*, 301-319.
- Ganjeh, S., Dehestani, M., Zadeh Mohammadi, A. (2017). Comparison of Effectiveness of Problem-Solving Skills and Emotional Intelligence Training on Decreasing Aggression in male High School Students. *Knowledge & Research in Applied Psychology*, 14(52), 38-50 [In Persian].
- Goldfried, M., Davison, G. (1976). *Clinical behavioral therapy*, Translated by Farhad Maher, Mashhad: Astan-e ghods-e razavi. (In Persian)
- Goleman, D. (1995). *Emotional Intelligence*, Translated by Nasrin Parsa, Tehran: Roshd [In Persian].
- Goleman, D. (1995). *Emotional Intelligence*. 1st ed. New York: Bantam; 55-86.
- Gresham, F. M., Baovan, M., Cook, C. R. (2012). *Social skills training for teaching replacement behaviors: Remediation acquisition deficits in at-risk students*. [http://www. Proquest. Com](http://www.Proquest.Com)
- Kazdin, A.L., Karenesveldt, D.G., French, N.D., and Alans, U.H. (1987). Effects of Parent Management Training and Problem-solving Skills Training Combined in the Treatment of Antisocial Child Behavior. *Journal of the American Academy of Child & Adolescent Psychiatry*, 26.
- Kimiaee, A., Raftar, M., & Soltanifar, A. (2011). Emotional intelligence training and its effectiveness on aggression of aggressive adolescence. *Research in Clinical Psychology and Counseling*, 1(1). <https://doi.org/10.22067/ijap.v1i1.3116> [In Persian].
- Mohammadi, N. (2006). Primary study of psychometrics measures of Buss and Perry` aggression questionnaire, *Journal of social sciences (Shiraz un)*, 25(4), 135-151 [In Persian].

- Monroe, O., Monty, B., & Small, J. (2001). Problem solving skills, Translated by Farideh kamali, Tehran: Ney [In Persian].
- Naghdi, H., Adib rad, N., & Nooranipour, R. (2012). The study of effectiveness of emotional intelligence treatment on male high school students' aggression, *Journal of Kermanshah University of Medical Sciences*, 4(3), 211-218 [In Persian].
- Navvabi Nezhad, Sh. (2008). *Children and teenagers' normal and abnormal behaviors*, Tehran: Olia and Morabbian publications [In Persian].
- Perla, E. & O Donnel, B. (2011). Encouraging problem solving in orientation and mobility. *Journal of visual impairment Blindnes*, 98, 47 - 52.
- Sabbaghian, Z. (2015). School and joy strengthening and life hop, *journal of Peyvand*, No: 309-311 [In Persian].
- Selcuk, G, S., Calishan, S., & Erol, M. (2007). The Effect of gender levels on Turkish physics teacher candidates. Problem solving start goes. *Journal of Turkish since education*. V .4, 10.
- Sharp, Kay Colby (1981). Impact of interpersonal problem-solving training on preschoolers' social competency. *Journal of Applied Developmental Psychology*, Volume 2.
- Siu, Angel. Y. (2009). Trait emotional intelligence and its relationships with problem behavior in Hong Kong adolescents, *Personality and Individual Differences*. *Journal of Applied Developmental Psychology*, Volume 4.
- Van Manen, T. A., Prins, J. M., & Emmelkamp, P. M. G. (2014). Reducing aggressive behavior in boys with a social cognitive group treatment: Results of a randomized, controlled trial. *Journal of American Academy of Child & Adolescent Psychiatry*, 43 (12), 1478- 1487.
- Zahedifar, Sh. (2000). Construction and reliability scale for aggression assessment, *journal of educational sciences (Chamran un)*, 7(1-2),73-102 [In Persian].